



جوانان حکمتیست ۱۲۴

توپ و تفنگ نداریم، دانش آموز می آریم



عباس رضایی

روز ۱۲ اسفند فصل تازه ای از مبارزات فرهنگیان در ایران استارت خورد!
بعد از دقایقی کوتاه تجمع ۳۰۰ نفری معلمان در مقابل مجلس به اعتراضی چند هزار نفره تبدیل شد، که با شعارهای گوناگون خواستار ریشه کن شدن فقر در جامعه شدند. این اعتراض از دو جهت مهم و قابل بحث است. اول اینکه اعتراضات منطقه ای و غیر منظم معلمان در دو سال گذشته را تا حدی زیاد منسجم

کرد، تا جای که ۳۰ تشکل در سراسر کشور قطعنامه پایدانی آن را امضا کرده بودند. این شروع یک دوره تازه از مبارزه علیه فقر است. بازتاب این اعتراض گسترده می

فراموش نکنیم که معلمان با شعار "توپ و تفنگ نداریم دانش آموز می آریم" نشان دادند که اگر روزی زورشان برسد، دیگر این فقر و بدبختی را قبول نخواهند کرد. این تهدیدی است که امروز، فردا یا هر وقت دیگر می تواند عملی شود و جمهوری اسلامی را یک پله دیگر به سرانحسبی سقوط هول دهد.

تواند فضا را کد فعلی را در هم بشکند و باید در روزهای آینده

تبدیل کنیم. همانطور که همه میدانیم و آگاهیم در حکومت ارتجاعی جمهوری اسلامی هیچ انسان آزاده ای نمیتواند خود را با آن سیستم و نظام حاکم وفق دهد و کوچکترین فریاد آزادیخواهی با جزای کفری یعنی شلاق، زندان، شکنجه و اعدام و محرومیت اجتماعی غیره مواجه می شود.

در این فضای مسموم و آلوده چه بسیار زنانی که به طرز وحشت انگیزی سنگسار و اعدام شدند و هستند زنانی که در انتظار و کابوس وحشتناک سنگسار و اعدام در زندان بسر میبرد و همچنین روابط آزاد زنان در کشورهای اسلامزده مساوی است با سنگسار و اعدام، چه زنان آزاده ای که در سالهای گذشته فقط به خاطر فریاد آزادیخواهی

ادامه در ص ۴

۸ مارس حلقه اتصال جنبشهای آزادی خواهانه



سیما اسدیگی

به ۸ مارس روز جهانی زن نزدیک می شویم. اهمیت این روز بزرگ خارج از خصلت جهانی بودنش که همبستگی بین المللی را در این جنبش به نمایش می گذارد، در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی به عنوان یکی از زن ستیزترین حکومت های قرن در جهان، حایز اهمیت ویژه ای بوده و برجستگی و جایگاه خاص خودش را دارد.

اگر بخواهیم چگونگی برگزاری مراسم این روز در چند سال اخیر در ایران را مورد بررسی قرار دهیم، حقیقتا به این نتیجه می رسیم که جنبش آزادی خواهانه زنان هر ساله در این روز نقطه عطفی را در تاریخ مبارزاتی خود رقم زده است و تا حدود زیادی توانسته خلاء و گسستگی فعالین و سرشاخه هایش را برطرف کرده و گرایشات مختلف جنبش را حول محوری ترین خواستهها گرد آورد و این بسی شورانگیز و امیدوار کننده است. مبروری به قطعنامه های سالهای اخیر در مراسم شهرهای

همچون تهران و سنجند، یاد آور بالندگی و توقعات بالای جنبش زنان در ایران است.

تا اینجای کار مبارزات حق طلبانه زنان توانسته است درصد بالایی از ناخالصی ها و درجا زدن ها را از خود دور کند. دیگر اصطلاحات و واژگان سیاسی همچون: "فمینیست اسلامی"، "فمینیست دولتی"، "جنبش زنان روشنفکر دینی"، و "کانون زنان اصلاح طلب وابسته به حکومت" تاخ مصرف و اعتبار خود را از دست داده اند و امروز بسیار مضحک و خنده دار است اگر کسی امثال فایزه هاشمی رفسنجانی، اعظم طالقانی، جمیله کدیور، صدیقه وسمقی، نیره اخوان، شهربانو امانی وحتی شیرین عبادی ها را به عنوان فعالین این جنبش معرفی کرده و جایگاهی برایشان قابل شود.

تمامی این افراد خود مبلغ تبعیض جنسی و خشونت بر علیه زن بر پایه احکام اسلامی هستند و نقش مخربی را برای جنبش برابری خواهانه زنان تا کون بازی کرده اند.

حکومت ضد زن جمهوری اسلامی، سالها تلاش کرده که وابستگان فکری و ایدئولوژیک خود را با رقیق ترین سطح خواسته ها و توقعات به خورد جنبش مبارزاتی زنان دهد و بدین وسیله فرودستی زن و نا برابری ها و تبعیضات سیاسی، اجتماعی و

ادامه در ص ۳

در صفحات دیگر

۸ مارس سنگری علیه خشونت: وریا صدر پور

زندگی نسائی حق مسلم ما است: حزب حکمتیست

روز جهانی زن روز گاهی جامعه به ابعدهم بر زن: حزب حکمتیست



زنده باد برابری!

زنده باد آزادی!





جنبش زنان، جنبش کارگری، اعتراضات دانشجویی و معلمان و جدال علیه فقر تنها زیر پرچمی متحد می‌تواند به نتیجه برسد. در آخر، اعتراض بر حق معلمان برای رهای شایسته‌ترین حمایتها است باید به این اعتراض پیوست و برای آن نیرو جمع کرد و فراموش نکنیم که معلمان با شعار "توپ و تفنگ نداریم دانش آموز می‌آریم" نشان دادند که اگر روزی زورشان برسد، دیگر این فقر و بدبختی را قبول نخواهند کرد. این تهدیدی است که امروز، فرا یا هر وقت دیگر می‌تواند عملی شود و جمهوری اسلامی را یک پله دیگر به سراسیمگی سقوط هول دهد.

فعالان چپ را می‌طلبید و درگیر شدن در این اعتراضات و به دست گرفتن رهبری و چرخاندن مسیر این اعتراضات به چپ، کار آمد کردن این اعتراضات و به نتیجه رساندن آن امر فعالان علنی و شخصیت‌های محبوب چپ در این جامعه خواهد بود. مهمترین کار ما در این دوره هماهنگ کردن این تجمعات غیر منظم و متحد کردن این گرایش‌های مختلف و این اعتراضات صنفی زیر یک پرچم واحد است. پرچمی که می‌توان آن را مبارزه برای از بین بردن فقر نامید. فعالان چپ در چنین شرایطی که بو جود آمده است باید مبتکر فراخوان‌های مختلف برای متحد کردن ائتلاف مختلف این جامعه باشند. اینجا است که باید نشان دهیم که

اعتراضات هستند، باز خواهد کرد تا به شخصیت‌های سراسری در این اعتراضات تبدیل شوند فقر و فلاکتی که سه دهه است جمهوری اسلامی به فشرهای مختلف جامعه تحمیل کرده است دارد به اوج خود می‌رسد فریاد اعتراض معلمان در روز ۱۲ اسفند نمونه خشم قشر مشخصی از جامعه علیه این نابرابری بود. اعتراضات پیاپی که هر گاه به بهانه ای در ایران بروز می‌کند بهترین فرصت برای فعالان چپ و بخصوص قشر دانشجویی چپ در ایران است که هماهنگ کننده آن با دیگر اعتراضات مشابه شوند. چنین اعتراضاتی گوش شنوای زیاد پیدا می‌شود، این همان فرصتی است که می‌شود با تکیه بر آژیتاتورهای چپ و فعالان این عرصه در صدمت متحد کردن این نوع اعتراضات با اعتراضات پرستاران و کارگران بر ایم. این اعتراضات دقیقاً همان جای است که هر فعال چپ، باید بروی چهار پایه ای برود و علیه فقر و دفاع از آزادی و رفاه برای همه سخن بگوید. اینجا است که جنبش چپ به ضرورت وجود آژیتاتورها پی می‌برد. امروز اعتراض معلمان، فردا فلان کارخانه، اعتراضات زنان، اعتراضات پرستاران به وجود آژیتاتورهای کمونیست نیاز مبرم دارد. این اعتراضات دخالت عده‌ای بیشتر از

شاهد اعتراضات دیگر از این نوع باشیم. دوم اینکه حضور زنان در این اعتراض و در استانه ۸ مارس بسیار گسترده بود. ایجاد اتحادی مقطعی ما بین جنبش زنان که خود نیمی از معلمان سراسر ایران را تشکیل می‌دهند با اعتراضات مختلف دانشجویان و کارگران می‌تواند نوید بخش اعتراضات وسیع‌تری بر علیه فقر و نابرابری در جامعه باشد اما تشکل سراسری و تهدید معلمان به اعتصاب سراسری در این تخصص بسیار امیدوار کنند است. این تجمع صنفی که برای ریشه کن کردن فقر و تبعیض برپا شد، شایسته‌ترین حمایتها از جانب ائتلاف مختلف در جامعه است. اما سوال اینجا است که جای فعالان چپ (معلمان، دانشجویان و کارگران) در این تخصص‌ها کجا است؟ چه نقشی می‌توانند در این اعتراضات بازی کنند؟ اعتراضات معلمان، پرستاران و کارگران عموماً بر علیه فقر و ناشی از فشارهای اقتصادی است که بر آنها تحمیل شده است، این اعتراضات را اگر در پی افقی و سکنه سیاسی جریانات راست در جامعه ضرب کنیم راه همواری را برای فعالان چپ، که اکثراً سازمان دهندگان این

اعتراضات برحق معلمان برای یک زندگی انسانی، مبارزه شان علیه فقری که به بخش عظیمی از شما تحمیل میشود شایسته‌ترین حمایت و پشتیبانی است. خواست معلمان برای یک زندگی انسانی خواست همه ما، زن و مرد، کارگر و پرستار و دانشجوی است. با حمایت از مبارزات معلمان مبارزه ای همگانی علیه فقر و فلاکت را سازمان دهیم.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۲ اسفند ۱۳۸۵ - ۳ مارس ۲۰۰۷



جامعه عملاً تلاش رژیم در ایجاد تفرقه و نفاق میان صفوف معلم و پرستار و کارگر را با شکست روبرو کردند. معلمان در این تجمع اعتراضی خواهان استیضاح ویز آموزش و پرورش شده و اعلام کرده اند که در صورت عدم تحقق خواسته هایشان روز یکشنبه ۹ اردیبهشت دست به اعتصاب در مدارس خواهند زد و روز ۱۲ اردیبهشت تجمعات اعتراضی در سراسر کشور برگزار خواهند کرد. مردم، کارگران، جوانان!



زندگی انسانی حق مسلم ما است
اعتراض معلمان علیه فقر

در ادامه اعتراضات معلمان به وضعیت حقوق و درآمد شان و در واکنش به تصمیم دولت در استرداد "لایحه خدمات کشوری، صبح امروز هزاران معلم با شعارهایی مانند "وزیر بی لیاقت استعفا استعفا"، "زندگی انسانی حق مسلم ما است"، معلمان میمیرند تبعیض نمیپذیرند" در مقابل مجلس دست به تجمعی اعتراضی زدند. این تجمع که به دعوت کانون صنفی معلمان برگزار شده بود علیرغم محاصره نیروهای پلیس ساعتها ادامه داشت. در بیانیه این تجمع به فقری که

۸ مارس سنگری علیه خشونت و تبعیض بر زن



وریا صدیپور

روز جهانی زن روز جنب و جوش آزادیخواهی و برابری طلبی روز نه به حجاب اجباری روز نه به آپارتاید جنسی و یکی از درخشانترین روزهای یک قرن گذشته در تاریخ انسانیت معاصر است.

یک قرن است که با به میدان آمدن صف انسانهای متمدن در جامعه جهانی زنان و مردان برابری طلب و آزادیخواه هر ساله اعتراض خود را نسبت به قوانین مرد سالار، غیر انسانی و ضد زن اعلام میکنند و خواهان کوتاه کردن دست نظام سرمایه و مذهب از زندگی زنان هستند و این دورا مسبب و حامی زن ستیزی در سراسر جهان میدانند. در ایران با گذشت ۲۸ سال از عمر نظام پوسیده و ارتجاعی جمهوری اسلامی که در طول این

سه دهه با سرکوب و اعدام و سنگسار و زندان زنان و سیرفرار دادن سلاح اسلام سیاسی و گله های منکرات و انصار حزب الله در مقابل اعتراض جنبش آزادیخواهانه مردم توانسته امروز خود را به فردا بدهد.

تنها چند هفته از انقلاب ۵۷ نگذشته بود که با فرمان حجاب اجباری خمینی تعرض به زندگی روز مره زنان شروع شد، حجاب اجباری فراگیر شد هر گونه روابط آزادی ممنوع و با سنگسار و اعلام مواجه گردید زنان بسیاری کشته شدند، زنان بسیاری بیخانمان شدند، زنان بسیاری به زندان افتادند، زنان بسیاری متواری شدند، زنان بسیاری در زندانها مورد آزار و اذیت و تجاوز جنسی و جمهوری اسلامی فرار گرفتند و کودکان بسیاری یک روز با مادر بودن را تجربه نکردند.

با این وجود اعتراضات جنبش عظیم زنان در اکثر شهرهای بزرگ ایران در ۸ مارس ۵۷ بر علیه فرمان حجاب با شعارهای نه به حجاب، و آزادی زن آزادی جامعه است شروع شد که با برخورد شدید نیروهای حزب الله و کشته شدن و شکنجه و دستگیری شرکت کنندگان در آن اعتراضات مواجه گردید.

از آن تاریخ در ایران ۸ مارس به سنگری علیه تبعیض و خشونت

جمهوری اسلامی تبدیل شد و این روز صف وسیعی از مردان و زنان آزادیخواه را به میدان کشانده است که میتوان به مراسمها و قطعنامه ها و بیانیه ها و اعتراضات چند سال گذشته در تهران و سنج اشاره کرد. اما آیا این اعتراضات کافیهست؟ جمهوری اسلامی هنوز هست،



۸ مارس امسال را چه باید کرد؟ قطعاً اعتراضات ۸ مارس امسال باید فراتر از سنج و تهران باشد باید کل شهرهای ایران را در بر گیرد جوانان از دختر و پسر، تمام

انسانهای آزادیخواه، و تمامی نهادها، سازمانهای مدافع حقوق زن فعالین کارگری، فعالین دانشجوی متحدانه این روز را هر چه با شکوهرتر و با شعارهای "زنده باد آزادی و برابری" و "نابود باد ستم بر زن" به خیابانها بیایند و روسری، حجاب، این سمبل بردگی و جداسازی زن از مرد را به آتش بکشند این روز را به نابودی جمهوری اسلامی تبدیل کنند. جوانان که ما امسال شاهد تجمعات و اعتراضات آنان در ۱۶ آذر بودیم نقش بسزائی میتوانند در روز ۸ مارس داشته باشند نه فقط ۸ مارس بلکه هر روز را میتوانند به سنگری علیه تبعیض نابرابری و ستم علیه زنان تبدیل کنند.

نبودن حجاب، لغو آپارتاید جنسی و برابری زن و مرد و روابط آزادین خواست، زنان، مردانو جوانان آزادیخواه جامعه امروزی ایران است و این وظیفه رهبران و فعالین جنبشهای برابری طلبانه است که بتوانند این جنبش اعتراضی و عظیم جامعه را رهبری کنند و متحدانه به یکسویکشاند آنهم به سمت سرنگونی جمهوری اسلامی. پیش بسوی یک ۸ مارس تاریخی و باشکوه.

ادلمه ۸ مارس حلقه اتصال...

اقتصادی خود را پیش برد. امروز دیگر این سیاستها کار ساز نیست و حکومت بر پایه احکام ضد انسانی و مرتجع اسلامی، بیش از این نخواهد توانست با بلک کاری و ایجاد شبکه های وابسته و شبیه سازی های مذهبی همچون روز تولد حضرت زهرا را به عنوان روز زن به خورد جامعه داده و سیاست های کثیف خود را پیش برد. واضح است که دستگاههای عظیم تبلیغاتی رژیم بیش از پیش کارایی خود را از دست داده است. نسلی که امروز با به عرصه مبارزه گذاشته را نمی توان به عقب راند. پختگی، رادیکالیسم و ماکزیمالیسمی که مبارزین زن در این عرصه نمایندگی می کنند، در تاریخ این جنبش در ایران بی سابقه بوده است. حال بایستی به دنبال حلقه های واسطه به هم

پیوستن مبارزات دیگر طبقات و افشار جامعه به این جنبش باشیم تا بتوانیم هر چه قدرتمند تر و منسجم تر تمامی ارکان حاکمیت اسلام سیاسی را به زیر کشیده و آزادی و برابری را برای جامعه به ارمغان آوریم.

روی سختم به تمامی گرایشات جنبش دانشجویی است. امسال ۸ مارس می تواند و بایستی به نقطه اتصال هر چه بیشتر جنبش دانشجویی به جنبش زنان تبدیل شود. باید برای هر چه وسیع تر ظاهر شدن در این روز در دانشگاه تبلیغ و ترویج کرد و اقدامات عملی و عاجلی را سازمان داد و ارزش این روز را در دانشگاه ها به اندازه روز دانشجو دانست و برایش کوشید.

روی سختم با کارگران و جنبش رو به جلوی کارگری است، این توقع و انتظار به جایی است که



روزهایی همچون ۸ مارس و اول ماه مه به روزهای همبستگی جنبش زنان و کارگران تبدیل شود. امسال بایستی برگزاری چنین روزی را به دل کارخانه ها و محل کار برد. کارگران نمی توانند و نباید در این روز بی عمل باشند، چراکه مبارزه برای جنبش زنان، مبارزه بر علیه بی حقوقی و ستم و استثمار است. پس باید دست هم سرنوشتی ها را گرفت و

جنبش را در هم آمیخت. این تنها راه پیروزی و تنها راه مبارزه بر علیه حکومت ها و جوامع مردسالار و تنها راه رسیدن به آزادی و برابری است. بیاید هر يك به سهم خود خارج از جنسیتمان قدمی اساسی در این عرصه برداریم پیش به سوی برگزاری هر چه شکوهمند تر روز جهانی زن زنده باد جنبش برابری طلبانه و آزادی خواهانه زنان، کارگران و دانشجویان و به امید همبستگی و اتحاد آنها تا رسیدن به پیروزی

نشریه جوانان حکمتیست
روزهای نو شنبه منتشر خواهد شد
مطلب و نوشته های خود را برای ما تا قبل از روز جمعه ارسال کنید
این نشریه را تکثیر و پخش کنید!

عدم حمایت‌های مالی، پزشکی، و هستند زنانی که در همین شرایط نا بسامان پناهندگی از دست شوهران خود کتک خورده‌اند هیچ مرجع قانونی برای حمایت از این زنان وجود ندارد .

زنانی که از خفقان جمهوری اسلامی و کشورهای اسلامزده متواری میشوند در دوران پناهجویی تجربه و زندگی شبیه کشور خود را در این کشور دیگری تجربه میکنند.



وقتی خواسته‌های این زنان را پرسیدم، تمامی آنها نجاتشان از این وضعیت رفتن به کشوری امن و بر طرف کردن مشکلات اقتصادی و پزشکی شان بود .

متأسفانه جو پناهجویی مشکلات ما را افزونتر و خصوصاً مشکل زنان را بعضاً تأسف بار نموده است. عدم دفاع از حقوق زنان پناهجو موجب ادامه وضع موجود و چه بسا بدتر از کشوران خود گردیده است.

بی توجهی سازمان ملل نسبت به زنان پناهجو، عدم اشتغال ،

مبارزین رهایی زن باشد. باید دست بکار شد! هرکجا، به هر شکل و در هر اندازه ای، اجتماع کرد. در مورد حق زن، در مورد ابعاد عظیم ستم بر زن در جامعه و در خانواده و در مورد ضرورت برابری کامل دو جنس صحبت کرد. باید مردم را آگاه کرد باید محل کار و زندگی را به کنترل مخالفین آپارتاید جنسی درآورد باید قوانین و مدافع برابری زن و مرد را زیر پا گذاشت! باید جداسازی و آپارتاید جنسی را افشا و محکوم کرد. امسال هم باید روز جهانی زن، هشت مارس را هرچه باشکوه تر و با شرکت تعداد هرچه بیشتری برگزار کرد. باید این تنور گرم را به آتشی برای نابودی کامل زن ستیزی تبدیل کرد.

نابود باد ستم بر زن
گرامی باد هشت مارس
**حزب کمونیست کارگری
حکمتیست**

که به چه عواقب وحشتناکی در ایران دچار خواهد شد و نمونه های دیگر). و از جمله مشکلات عمده دیگر زنانی که از کشور خود به طریق قاچاق متواری میشوند در ابتدا در معرض هجوم تعرض جنسی قاچاقچیان و هزاران بلای دیگر میشود و چه بسا زنان تنهائی که تحت فشار فقر و نداری و برای بر طرف کردن نیاز بچه هایشان تن به هر کاری میدهند. وقتی با تعدادی از زنان پناهجو صحبت میکردم میگفتند وقتی برای امرار معاش خود میخواهند به سر کار بروند صاحب کار ابتدا ما را به دید سکس نگاه میکنند و با کار زیاد و حداقل دستمزد .

وقتی خواسته‌های این زنان را پرسیدم، تمامی آنها نجاتشان از این وضعیت رفتن به کشوری امن و بر طرف کردن مشکلات اقتصادی و پزشکی شان بود .

متأسفانه جو پناهجویی مشکلات ما را افزونتر و خصوصاً مشکل زنان را بعضاً تأسف بار نموده است. عدم دفاع از حقوق زنان پناهجو موجب ادامه وضع موجود و چه بسا بدتر از کشوران خود گردیده است.

بی توجهی سازمان ملل نسبت به زنان پناهجو، عدم اشتغال ،

هر پناهجو در بدو ورود به خاک کشوری که برای پناهجویی به آنجا میرسد به امید رسیدن به یک زندگی بهتر آمال و هدفی ندارد، اما دریغ از اینکه با چه مشکلات عدیده ای رو برو خواهد شد همچنانکه که در میدیا، سایتها و نشریات نمونه زنان پناهجوزیادی را دیدیم که چگونه دولت آن کشور تصمیم به دیپورت این زنان گرفته اند. دیپورت به کشور نا امن خود نمونه بارز این زنان (زهره کامافر همراه دو فرزندش که چندین ماه در فرودگاه مسکو در کابوس ، وحشت و ترس از دیپورت به ایران

ادامه هشت مارس و زنان پناهجو..

اعدام و یا زندانی شده اند و چه بسیار کودکانی که هنوز منظر مادرانشان هستند که بدست این رژیم فوق ارتجاعی بدار آویخته شده اند و زیر خروارها خاک آرمیده اند چه کسی باید جوابگوی این همه جور ظلم و ستمزمانه باشد با تمام این خفقان و فشار که کشورهای اسلامزده بر زنان حاکم کرده است طیفی از آنها از کشورهای خود (ایران ، عراق ، افغانستان) گریخته و به کشورهای همجوار خود و یا به کشورهای اروپائی از طریق قاچاق متواری شده اند (هر چند که کشورهای عراق و افغانستان به ظاهر حکومتی دمکراسی دارند اما مذهب و مرد سالاری همچنان بر زندگی آنان نقش مهمی دارند خصوصاً بر زندگی زنان و دخترانشان).

وقتی این مسائل و موضوعات ستم بر زنان را مبینم به یک نکته متمرکز میشوم که غیر از زنانی که در این کشورها با این شرایط دست و پنجه نرم میکند زنانی نیز هستند که برای یک زندگی بهتر از چنگال این نظام زن ستیز گریخته اند و بعنوان پناهجو در کشورهای همجوار خود زندگی پر مشقت و اسفناک پناهجویی را همراه با

**روز جهانی زن روز آگاهی
جامعه به ابعاد ستم بر زن ،
روز اعتراض به جمهوری
اسلامی این سمبل زن سرتیزی
است
گرامی باد هشت مارس، روز
جهانی زن**

روز جهانی زن، روز اعلام این حقیقت روشن است که زن و مرد با هر رنگ پوستی، در هر سنی، از هر طبقه و متولد هر جغرافیایی، با هر مرام و مذهب و اعتقاداتی، دو موجود آزاد و دو شهروند متساوی الحقوق با اختیارات و مسئولیت های برابراند. واقعیت به این روشنی که از آمریکا تا اروپا، از افریقا تا آسیا در سایه تحمیق و فریت مذاهب مختلف و توسط دولت‌های حاکم و طبقات دارا، انکار میشود و زن در سراسر جهان در سطوح و ابعاد مختلف، جنس فرودست و قربانی تبعیض جنسی است. هشت مارس روز اعلام مجدد این کیفرخواست

جهانی است که زن و مرد آزاد و برابرند. این روز بعلاوه روز پیمان و تعهد مشترک و جهانی برای از



پیش با برداشتن هر مانعی در تحقق این حقیقت روشن در سراسر جهان است.

در ایران با حاکمیت یک رژیم تماماً ضد زن و مذهبی، هشت مارس و تلاش برای احقاق حقوق انسانی زنان، بعلاوه خصلت ویژه تر دارد. این خصلت، گره خوردن احقاق حق زن به حیات و پایه های حاکمیت ارتجاع اسلامی است. خصلتی که دو دهه است زنان را در ابعاد میلیونی روبروی جمهوری اسلامی قرار داده است و تنور مبارزه برای حق زن را در تمام طول حاکمیت اسلام ، گرم و پرطپش نگاه داشته است. این ویژگی است که به انقلاب آتی

ایران زنگ زنانه زده است. پیروزی انقلاب زنانه در ایران، به زیر کشیدن حکومت ضد زن اسلامی ایران، این خدای زن ستیزی معاصر، دروازه بزرگی به تحقق برابری زن و مرد در سراسر جهان است.

زنان و مردان آزادیخواه، فعالین و دست اندرکاران هشت مارس ایران!

هشت مارس امسال سراسر ایران میتواند متعلق به طرفداران برابری انسانها و مخالفین ستم بر زن باشد. هشت مارس امسال میتواند نورافکنی عظیم بر بنیادهای نابرابری زن مرد در همه ابعاد، در سراسر ایران را روشن کند. این روز میتواند یک روز محکوم کردن مسیبتن بی حقوقی زن در ایران از امام جمعه ها و آخوندهای مرتجع تا رئیس جمهور و کابینه دولت ارتجاعی ضد زن در ایران باشد. هشت مارس امسال میتوان در سراسر ایران، جبهه جدال انسانی، میدان رهایی انسان از توحش ضد زن و مملو از